فصل‌نامه علمی ـ پژوهشی پژوهش‌نامه‌ی تاریخ اسلام
سـال سوم، شماره دوازدهم، زمستان ۱۳۹۲
صفحات ۸۹ – ۱۱۲

حکومت آل‌خلیفه و تاثیر آنها بر وضع اقتصادی شیعیان بحرین[۱]

داریـوش نـظری*

چکیـده

شـاخه‌هایی از قبیلـه «عُتـوب» کـه سـاکن نجـد عربسـتان بودنـد، بـه عللـی ماننـد خشک‌سالی‌های مکـرّر و طبیعـت بَدوی‌شـان، در قـرن هفـدهم مـیلادی بـه منـاطق گوناگونی مانند عراق، شام و خلیج‌فارس کوچ کردند. گروهی از آنـان بـه خلـیج فـارس رفتند و در کویت جای گرفتند. مانند «آل‌خَلیفه»، «آل‌صَباح» و «آل‌جَلاهمه». آل‌خلیفه پس از زمانی به سوی قطر رفتند و در منطقه «زُباره» در بخش غربی قطر مستقر شدند تـا اینکـه بـه بحـرین یـورش بردنـد (۱۷۸۳ م) و بـه حاکمیـت «آل‌مَـذکور» حاکمـان دست‌نشاندهٔ ایران، پایان دادنـد و بـا سیاسـت‌های خـاص خـود و بهره‌گیـری از زمـان مناسب، بر آن کشور چیره شدند. آل‌خلیفه بحرین پس از قدرت یافتن، املاک شیعیان را مصادره و آنان به بیگاری گرفتند. بنابراین، شیعیان از استخدام در اداره‌ها و مراکز مهـم محروم و به پرداخت مالیات‌های ظالمانه‌ای وادار شدند و از این‌رو، در پـایین‌ترین درجـه هرَم اقتصادی و سیاسی جای گرفتند. اصلاحات دهه دوم قرن بیسـتم و کارهـای حَمَـد بن‌عیسی بن‌سلمان (۱۹۹۹ م) تغییراتی در وضع اقتصادی شیعیان پدید آورد، اما موجـب نشد که شیعیان آن منطقه به حقـوق خـود دسـت یابنـد. بنـابراین ناخرسـندی آنـان از حکومت دوام یافت. این پژوهش به عوامل مؤثر در پیروزی آل‌خلیفه در تصرف بحـرین می‌پردازد و تأثیر آن را در وضعیت اقتصادی جامعه شیعی آن کشور توضیح می‌دهد.

کلیدواژگان

بحرین، آل‌خلیفه، شیعیان، اقتصاد، غواصی، کشاورزی، کارگری.

---

۱. تاریخ دریافت۹۱/۹/۴، تاریخ پذیرش ۹۲/۵/۱۲.

* دانشیار دانشگاه لرستان، گروه تاریخ، لرستان، ایران. dariushnazari۷٦@yahoo.com

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-09]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.12.4.2]

طرح مسأله

مقصود از بحرین در این مقاله، بحرین امروزی است نه بحرین تاریخی که افزون بر بحرین کنونی، همه مناطق میان بصره تا عمان را حتی کویت، احساء و قطر را در برمی‌گرفته است (العانی: ۲۰۰۰: ۱۹). بحرین تاریخی را در گذشته «اُوال» می‌خوانده‌اند (نافع الحمدانی: ۲۰۱۰: ۱۷). بحرین کنونی میان قطر و عربستان (با فاصله‌ای کمابیش ۳۲ کیلومتری) (اسعدی و شهیدی: ۱۳۸۰: ۱۱۷) و مساحتش ۶۲۲ کیلومتر مربع است. جزیره بحرین (منامه) به تنهایی ۵۹۸ کیلومتر مربع گستره دارد و خاک اصلی این سرزمین به شمار می‌رود (الهی، ۱۳۸۷: ۱۲۷). بر پایه آمار ۱۹۴۱ میلادی، جمعیت بحرین ۸۹۹۷۰ نفر و بر پایه آمار ۱۹۷۱، ۲۱۶۳۰۳ نفر (رمیحی، ۳۱، ۱۳۸۷) و بر پایه آمار ۲۰۰۰ میلادی، بیش از ۶۹۱۰۰۰ نفر بوده است (الهی، همان، ۱۲۷).

بیش از ۹۸ درصد مردم بحرین مسلمانند (Harald Hansen,۱۹٦۸: ٤۸). بنابراین، دین رسمی این کشور اسلام است و بیشتر جمعیت مسلمانان این کشور، شیعه‌اند (سیف افجه‌ای، ۱۳۸۱: ۲۵). اهل‌سنت بحرین بیشتر مالکی‌مذهب (Ibid: ٤۸) و شمار اندکی از آنان، حنبلی‌اند (اسعدی و شهیدی، همان، ۱۱۸).

اطلس جهانی، میزان شیعیان این کشور را ۷۵ درصد و منابع گوناگون دیگر شمار آنان را ۵۰ تا ۷۵ درصد دانسته‌اند، اما بی‌گمان بیش از نیمی از ساکنان این سرزمین از شیعیانند (متقی‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۴۰). توال می‌گوید: اکنون ۶۵ درصد مردم بحرین شیعه‌اند که بیشترشان از روستاییان و بادیه‌نشینان به شمار می‌روند (توال، ۱۳۸۳: ۱۲۹). بیشتر مورخان و تاریخ‌پژوهان معتقدند که تشیع در بحرین از صدر تاریخ اسلام پیدا شده است. برای نمونه، محمود بهجت سنان می‌گوید: تاریخ تشیع در بحرین از همان سال‌های شکل‌گیری مذهب تشیع آغاز شده است (بهجت‌سنان، ۱۹۶۳: ۱۵۶). نویسنده *انوار البدرین* در این‌باره می‌نویسد: مردمان بحرین از زمان‌های قدیم شیعه واقعی و پیرو علی (ع) بوده‌اند. آنان در کارهای دینی متعصبند و علمای دینی فراوانی نیز داشته‌اند (بلادی‌بحرانی، ۱۳۷۳: ۱۷). بیشتر مورخان خاستگاه تشیع بحرین را قبیله‌های عربی ساکن در آن‌جا می‌دانند. نویسنده *خاستگاه تشیع* در این‌باره

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-09]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.12.4.2]

می‌نویسد:

> تشیع در بحرین منشأ عربی دارد و به طور مسلم قبایل اصیل عرب که عمدتاً بادیه‌نشین بودند، مبدأ تشیع در این منطقه هستند و بعدها که این قبایل گسترش پیدا کردند و به تدریج شهرنشین شدند، تشیع را به مناطق مجاور انتقال دادند. شیعیان امروزه منطقه شرق عربستان، وارث آنان به شمار می‌آیند (اسلامی: ۱۳۷۸: ۳۱).

عبدالقیس از قبیله‌هایی است که در گسترش تشیع در بحرین بسیار مؤثر بوده است (جعفریان، ۱۳۸۷: ۱۳۴). عبدالله مهدی‌تاجر معتقد است: «شیعیان بحرین از نسل قبیله عبدالقیس می‌باشند» (al-tajir undated: ۱۸). شیعیان بحرین دوازده‌امامی‌اند (عدنان علیان، ۲۰۰۵: ۱۱۰) و آنان را «بحارنه»[1] می‌خوانند.(رمیحی، همان، ۳۵). شمار فراوانی از بحارنه پس از چیرگی آل‌خلیفه بر بحرین، از این کشور هجرت کردند خلف‌العبیدی، ۲۰۰۴، ۱۱۰).

تبار و پیشینه آل‌خلیفه

عرَبان از دید اصل و نسب به باقیه و بائده تقسیم می‌شوند. باقیه قَحطانی‌ها و عَدنانی‌ها را در برمی‌گیرید و عدنانی‌ها خود به دو گروه ربیعه و مُضَر تقسیم می‌شوند و ربیعه بنی‌کَعب و بنی‌اسد را در برمی‌گیرد و بنی‌اسد نیز به جَدیلَه و عَنَزَه تقسیم می‌شوند. عَنَزَه نیز تیره‌ای به نام جُمیله دارد «بَنی‌عُتوب» شاخه‌ای از آن به شمار می‌رود (النبهانی، ۱۹۸۶: ۸۰).

عُتوب در مرکز و شمال شبه جزیره عربستان و نواحی شرقی «نجد» ساکن بود (حسین‌مونس، ۱۳۷۵: ۲۵۹). علت مهاجرت این قوم را از نجد، عوامل زیر دانسته‌اند:

۱. خشک‌سالی ناحیه نجد (برگ نیسی، ۱۳۶۷: ۶۹۸)؛

۲. قحطی و درگیری‌های قبیله‌ای در این مناطق (Rush,۱۹۹۱: ۱۵).

«آل‌عُتوب» پس از ترک کردن نجد، به قطر رفت که در آن زمان بنی‌خالد بر آن حکم

۱. بحارنه جمع بحرانی است (Mahdi Abdalla al-tajir, undated: ۱۷).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.12.4.2]

می‌رانـد (امـل‌ابراهیم زیـانی، ۱۹۷۳: ۴۱). قبیلـه‌های بنی‌عتـوب؛ یعنـی «آل‌صَـباح»، «آل‌جَلاهمه» و «آل‌خَلیفه»، از قطر نیز کوچ کردند و به کویت رفتند (۱۷۱۶ م) (النبهانی، همان، ۸۰). این سه گروه در کویت بر پایه توافقی، کارهای را میان خود تقسیم کردنـد؛ آل‌صباح به کارهای حکومتی، آل‌جلاهمه به کارهای دریـایی و آل‌خلیفـه بـه بازرگـانی پرداخت (Rush, Ibid: ۹). آنان کمابیش پنجاه سال بـه ایـن توافـق پـای‌بنـد ماندنـد تـا سرانجام آل‌خلیفه از دیگران کناره گرفت گرفت و به سوی «زُباره» قطر حرکـت کـرد و به ریاست محمد بن‌خلیفه» در آن‌جا مستقر شد (۱۷۶۵ م) (احمد یاغی، ۲۰۰۳: ۸۷).

عوامل قدرت‌یابی آل‌خلیفه

۱. ازدواج‌های سیاسی

رؤسای بنی‌عتوب در کویت از راه ازدواج با دختران رؤسای دیگر قبیلـه‌هـا، قـدرت فراوانی بـه دسـت آوردنـد و از ایـن‌رو، توانسـتند در برابـر بنی‌خالـد ایسـتادگی کننـد (Rush, Ibid: ۹).

۲. موافقت پاشای عثمانی با استقرار آنان در کویت

بنی‌عتوب برای استقرار در کویت، از والی بصره رخصت گرفتند که او تـابع عثمـانی بود. پاشای عثمانی این درخواست را پذیرفت و این پذیرش زمینه‌ای برای قدرت‌گیری آنان فراهم آورد (عوض‌العتبی، ۲۰۰۴: ۵۸).

۳. ثروتمند شدن آل‌خلیفه در زباره

آنان پس از ورود به زباره (۱۷۶۶م) مرکزی تجاری پدیـدی آورنـد و پـس از انـدک زمانی، به دارایی هنگفتی رسیدند (خوری: ۱۹۸۳: ۴۰). زندیه بصره را گرفت (۱۷۷۹ م) و این موجب شد که بازرگانان فراوانـی از آن‌جـا بـه زبـاره کـوچ کننـد و بـه تجـارت بپردازند. آسان‌گیری آل‌خلیفه در صادرات و واردات، جنگ‌هـای بنی‌خالـد بـا وهابیـان (خوری، همان، ۴۲) و سرگرم شدن به تجارت مروارید (همان، ۸۷)، مهم‌تـرین عوامـل ثروت‌مند شدن آل‌خلیفه در زباره بودند.

٤. کاهش قدرت بنی‌خالد

هم‌زمان با استقرار آل‌خلیفه در زباره، دولت بنی‌خالد قـدرت خـود را از دسـت داده بود و از این‌رو، شمار بسیاری از اتباع آن همچون آل‌صباح در کویت، آل‌مسلم در قطـر

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-09]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.12.4.2]

و آل‌خلیفه در زباره، به استقلال رسیدند (احمدیاغی، همان، ۸۸).

۵. اوضاع بی‌سامان ایران پس از مرگ کریم‌خان زند

پس از مرگ کریم‌خان زند (۱۷۷۹ م)، حاکمیت ایران در خلیج‌فارس سستی گرفت. برخی از علل این سستی چنینند:

درگیری قبیله‌های ساکن خلیج فارس با یک‌دیگر (خوری، همان، ۴۳)؛

جنگ‌های سرداران کریم‌خان زند با یک‌دیگر برای رسیدن به قدرت؛

درگیری‌های لطفعلی‌خان زند با آقامحمدخان (پرتوی مقدم، ۱۳۸۵: ۸۳).

۶. کاهش میزان چیرگی ایران بر کرانه‌های آبها و جزایر خلیج فارس

گرفتاری‌های شاهان قاجار در برخورد سیاسی و نظامی با دولت‌های روسیه و انگلستان و پیدایی مدعیان داخلی حکومت و نبود کشتی‌های جنگی و نیروهای دریایی، موجب کاهش میزان چیرگی ایران بر ساحل‌ها و جزایر خلیج فارس شد و زمینه را برای دست‌اندازی شیوخ قبیله‌های عرب به آن‌جا فراهم آورد (همان).

۷. جلوگیری نکردن آل‌مذکور از ورود آل‌خلیفه به زباره

آل‌مذکور در دوره حکومت زندیه به نمایندگی ایران، حاکم بحرین و بوشهر بودند. آنان پس از فتوحات نادر شاه در بحرین به حکومت رسیده بودند (۱۷۳۶ م) (برگ نیسی، همان، ۲۱). آل‌مذکور در آغاز از هدف‌های آل‌خلیفه ناآگاه بودند و از این‌رو، از ورود آنان به زباره جلوگیری نکردند و زمانی به رویارویی با آنان پرداختند که دست‌اندازی‌شان به بحرین آغاز شده بود (پاکتچی، ۱۳۸۱: ۴۸۹).

۸. کمک قبیله‌های عربی ساکن قطر به آل‌خلیفه در فتح بحرین

آل‌خلیفه قبایل عربی ساکن قطر را با خود همراه کردند. این همراهی بدین شرط صورت پذیرفت که آنان را در غنایم پس از تصرف بحرین شریک کنند (خوری، همان، ۴۳).

۹. اختلاف‌های مذهبی

ساکنان بحرین در آستانه حمله آل‌خلیفه بدان‌جا، به اختلاف‌های مذهبی درگیر بودند.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-09]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.12.4.2]

گروهی به رهبری احمد بن‌ماجد البلادی، ساکن منطقه «بلادقدیم» برای مقابله با مخالفان خود، از آل‌خلیفه یاری خواستند و آنان را به آمدن به بحرین فراخواندند (خلف العبیدی، همان، ۲۳).

۱۰. پشتیبانی انگلستان

بحرین در برابر به دست آوردن حمایت بریتانیا، قراردادهایی با این کشور بست. قرارداد ۱۸۲۰ میلادی، سرآغاز این وابستگی سیاسی بود. بر پایه قرارداد دیگری (۱۸۶۱م)، بحرین متعهد شد که به کارهای جنگی، دزدی دریایی و تجارت برده نپردازد (خوری، همان، ۵۲). انگلستان هم‌چنین به جنگ‌های آل‌خلیفه با دیگر قبیله‌ها و جنگ‌های داخلی میان افراد آل‌خلیفه، پایان داد (همان، ۵۰).

۱۱. سیاست‌های آل‌خلیفه در برابر مخالفان

۱-۱۱. آنان گاهی خواسته‌های دو قدرت را با یک‌دیگر متوازن می‌کردند. برای نمونه، پرچم دو کشور را در یک زمان در بحرین برمی‌افراشتند (همان، ۵۱)؛

۲-۱۱. شماری از آنان به ایران مالیات می‌دادند تا حمایت این کشور را برای مقابله با دیگر کشورها به دست آوردند. البته ایران بر اثر ضعف نیروهای دریایی و نظامی‌اش نتوانست کارهای بحرین را به دست گیرد (زکریا قاسم، ۱۹۷۴: ۱۴۹)؛

۳-۱۱. هر گاه حمله قدرتی را محتمَل می‌دیدند، دست‌نشانده دولت دیگری می‌شدند تا از حمله آنها جلوگیری کند (cordesman,۱۹۹۷: ۳۵)؛

۴-۱۱. هنگامی که دو گروه از مخالفانشان با یک‌دیگر می‌جنگیدند، با یکی از آنان متحد می‌شدند تا جنگ را پی بگیرد و آنان در این زمان، به استوار کردن پایه قدرت خود بپردازند (Ibid)؛

۵-۱۱. در یک زمان از حاکمیت دو قدرت پیروی می‌کردند (Ibid)؛

۶-۱۱. آنان به توزیع غنایم میان هم‌پیمانان خود می‌پرداختند. برای نمونه، احمد بن‌محمد آل‌خلیفه (فاتح بحرین) برای تثبیت قدرت خویش، بخشی را از غنایم میان هم‌پیمانانش در جنگ تقسیم کرد (برگ نیسی، همان، ۶۹۹)؛

۱۲. مهارت در دریانوردی

بنی‌عتوب از نیرومندترین و شایسته‌ترین دریانوردان خلیج‌فارس بودند که ا

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-09]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.12.4.2]

ین مهارت نیز از دیگر سبب‌های توفیق آنان در تصرف بحرین بود (حافظ وهبه، ۱۹۶۵، ۱۰۲).

انگیزه‌های هجرت آل‌خلیفه از قطر به بحرین

درگیری با همسایگانشان در قطر (Rush, Ibid: ۷۷)، جنگ آنان با عربان بنی‌کعب و متحدانشان بر اثر مسائل تجاری (عوض العتبی، همان، ۱۰۲)، پاسخ‌گو نبودن زباره به نیاز آنان، دل‌بستگی‌شان به جنگ دریایی به پشتوانه نیروی دریایی و امکان‌ناپذیریِ گسترش قلمرو در خشکی پیرامون قطهر که وهابیان و بنی‌خالد آن‌جا را گرفته بودند[1] (همان)، برانگیخته شدنشان به فتح بحرین پس از پیروزی بر نیروهای آل‌مذکور در جنگ زباره (زیانی، همان، ۴۴)، گرایش آنان به استقلال و رسیدن به حکومت (عبدالقادر جاسم و علی الشاعر، ۲۰۰۰: ۱۱– ۱۲)، درگیری‌های پیشین با ساکنان بحرین بر اثر اختلاف مذهبی آنان با یک‌دیگر (اقبال، ۱۳۲۸، ۱۱۷)، داشتن انگیزه فراوان برای گرفتن بحرین که مرکز اصلی صنعت مرواریدسازی و از مهم‌ترین بندرهای تجاری مسیر خلیج‌فارس ـ اقیانوس هند بود، از انگیزه‌های هجرت آل‌خلیفه به بحرین به شمار می‌روند. بحرین افزون بر داشتن منابع غنی، از کانون درگیری‌های خلیج فارس دور بود و روابط آن با دیگر امارات منطقه گسترش می‌یافت (الصباح، ۱۳۶۸: ۴).

چگونگی برخورد آل‌خلیفه با شیعیان پس از تصرف بحرین

آل‌خلیفه پس از گرفتن بحرین، زمین‌های شیعیان را میان خود تقسیم کردند و هر کسی بر بخشی از آنها حاکم شد و از مردم زیردست خود مالیات می‌گرفت. افرادی که با آنان هم‌کاری کردند، مالکیت زمین‌های خود را حفظ کردند. مانند «آل‌جشی» از بلاد قدیم و «آل‌مقابی» از روستای مقابله. البته اگر همین خانواده‌ها نیز از پرداخت مالیات گزاف املاکشان خودداری می‌کردند، زمین‌هایشان مصادره می‌شد (خوری، همان، ۶۷– ۶۸). آل‌خلیفه از صاحبان زمین‌هایی که با زور آنها را نگرفته بودند، عامدانه مالیات

۱. پس از اینکه ایران بصره را گرفت (۱۷۷۹ م)، قوم‌های گوناگونی به زباره رفتند (خلف‌العبیدی، همان، ۲۲).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-09]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.12.4.2]

گزافی می‌ستاندند تا صاحبانشان ناچار آنها را ترک کنند (رمیحی، همان، ۶۵). شیعیان پس از تصرف املاکشان برای برآوردن نیازهای زیستی خود، ناگزیر به کارهای ساده و خُردی می‌پرداختند که سامان‌دهی آنها به مهارت خاصی مسبوق نبود و از این‌رو، به شهروندان درجه دوم بدل شدند (همان، ۳۴).

آل‌خلیفه به‌رغم وهابیان، به گستراندن باورهای خود نپرداختند و هیچ‌گاه از شیعیان نخواستند که مذهبشان را تغییر دهند، بلکه تنها به دنبال گرفتن اموال مردم بودند (حسین موسی، ۱۹۸۴: ۷-۹). آنان شیعیان را به بیگاری وامی‌داشتند. بیگاری هیچ قاعده و قانون معینی نداشت و نامنظم صورت می‌گرفت؛ چنان‌که در شمار بسیاری از جوامع قدیم و سنتی آفریقا صورت می‌پذیرفت (خوری، همان، ۷۸-۷۹). افزون بر حاکمان، عاملان و فرزندان حاکمان نیز از حق بیگاری کشیدن از شیعیان برخوردار بودند و به آنان خوراک ناچیزی می‌دادند (عبدالقادر جاسم و علی الشاعر، ۲۰۰۰: ۵۵). این شیوه تا دهه دوم قرن بیستم میلادی دنبال شد تا اینکه عیسی بن‌علی در برابر فشار انگلیسیان، اعلامیه‌ای درباره لغو بیگاری شیعیان صادر کرد (همان، ۴۴).

آل‌خلیفه، از دید قبیله‌ای به حکومت می‌نگریستند و بر قبیله‌های مغلوب مسلط می‌شدند. آنان نه تنها به تصرف املاک مخالفانشان که به مصادره زنان شیعیان نیز می‌پرداختند (حسین موسی، همان، ۲۴). آل‌خلیفه خود را «فاتح» خواند؛ لقبی که برای اشاره به چیرگی بر نامسلمانان به کار می‌رفت. این کاربرد تلویحی درباره مشروع بودن ریختن خون شیعیان و مصادره زمین‌های آنان بود (فولر و فرانکه، ۱۳۸۴، ۲۴۸).

بر پایه قانون اسلام، «فیء» و«غنمیت» از کفار گرفته می‌شد (ماوردی، ۱۳۲۷: ۱۱۱-۱۱۲)، اما آل‌خلیفه اموال شیعیان را به غنیمت، می‌گرفتند. هم‌چنین به‌رغم فرمان قرآن درباره گرفتن جزیه از نامسلمانان، از شیعیان جزیه می‌گرفتند (ابویوسف، ۱۳۵۲: ۱۴۲). حکومت به‌رغم اینکه خود را الاهی می‌دانست، مردم را مستحق زندگی آرام نمی‌دانست (محروس، همان، ۱۱۱). آنان بر همه چیز شیعیان چیره شدند و جایگاه آنان را به جایگاهی همچون جایگاه بردگان بدل کردند (Lorimer,۱۹۰۸: ۲۵۲-۲۳۳). آنان شیعیان را حتی از حق صید محروم کردند (حسین‌موسی، همان، ۷-۹). ستم‌های آنان بر شیعیان، به‌ویژه بر کشاورزان و غواصان، تحمل‌ناشدنی بوده است (شهابی، ۱۹۹۶: ۱۰).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-09]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.12.4.2]

داشتن سلاح و اسب در نجد و دیگر مناطق عرب‌نشین، نشانه مردانگی به شمار می‌رفت. آل‌خلیفه داشتن سلاح و اسب را برای شیعیان ممنوع کردند (همان، ۲۵۶). مصادره کردن سلاح‌ها، اسب‌ها، نخلستان‌ها و منازل شیعیان افزون بر گرفتن مالیات‌های ظالمانه از آنان، به سخت شدن زندگی شیعیان در آن سامان انجامید (همان، ۲۵۹). حکومت بحرین از پیش‌رفت شیعیان دانش‌آموخته دانشگاه‌ها جلوگیری کرد. بر پایه این سیاست، آنان را در مناصب و مسئولیت‌های مهم حکومتی مانند ارتش، پلیس و دادگستری به کار نمی‌گرفتند و با فرض استخدام آنان، در سنجش با دیگران دست‌مُزد (حقوق) کم‌تری به آنان می‌پرداختند. بنابراین، شماری از شیعیان به کشورهای خارجی هجرت کردند (همان، ۲۴۲).

افزون بر خانواده آل‌خلیفه، افراد وابسته و بانفوذ در حکومت مانند مسئولان درجه دوم، گیرندگان مالیات‌ها و شماری از قاضیان، به شیعیان ستم می‌کردند (عبدالقادر جاسم و علی الشاعر، همان، ۹۲). فراخواندن قبیله‌های سنی‌مذهب به بحرین برای تغییر ترکیب جمعیتی کشور، از دیگر کارهای ضد شیعی حکومت بحرین بود. بر پایه این سیاست، «دَواسِرها» را از عربستان و «شَمّار» را از سوریه به بحرین فراخواندند (اسحاق نکاست، ۱۳۸۷: ۹۳). دواسرها پس از عتوب بزرگ‌ترین قبیله سنی‌مذهب و در بحرین شبه‌مستقل بودند. آنان هرگز به حکومت مالیات نمی‌پرداختند و حکومت به خوبی بر آنان مسلط نبود (شهابی، همان، ۳۳-۳۴).

آل‌خلیفه دست دواسرها را در حمله به شیعیان باز گذاشتند. از این‌رو، بیشتر اموال و املاک دواسرها از طریق غارت کردن اموال شیعیان فراهم آمده بود. نوکس مقیم سیاسی انگلستان در خلیج فارس در آیین برکناری عیسی بن‌علی، به دواسرها چنین گفته است:

> رهبران دواسرها باید بحرین را ترک کنند و اگر شاهد مصادره منازل و زمین‌هایتان هستید، تعجب نکنید؛ چون بیشتر اموال و املاک شما از طریق غارت کردن شیعیان به دست آمده است (حمزه حسن، ۲۰۱۰: ۱۸۱).

پس از اصلاحات دهه دوم قرن بیستم، شمار فراوانی از دواسرها از بحرین کوچیدند و شیعیان از شرّ آنان آسوده شدند (همان، ۱۸۴). کشف نفت در بحرین نیز وضع

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-09]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.12.4.2]

اقتصادی شیعیان را تغییر نداد؛ زیرا حکومت آن را دست‌آوردی ملی بـه شـمار نیـاورد، بلکه آن را ثروت خاندان حاکم شمرد (حسین موسی، همان، ۲۵-۲۶)؛ چنان‌کـه حـاکم بحرین یک سوم درآمد نفت را به خزانـه اختصاصـی‌اش بـرد و مقـرری خویشـاوندان بی‌شمار خود را از همان درآمد، پرداخـت و دو سـوم مانـده را در بانک‌هـای انگلیسـی سرمایه‌گذاری و در کارهای اجرایی و توسعه کشور صرف کرد (نکاسـت، همـان، ۸۴). تنها حمد بن‌عیسی بن‌سلمان از حاکمان بحرین (۱۹۹۹ م)، به اصـلاحاتی در زمینـه‌های اقتصادی و سیاسی به سود شیعیان دست زد که چنین دلایل و عِللـی بـرای ایـن کارهـا برشمرده‌اند:

۱. وی می‌دانست که اگر به خواسته‌های شیعیان توجه نکند، شاید آنان مسـئله تغییـر نظام را مطرح کنند. بنابراین، روز عاشورا، برای همه دسته‌های عزاداران گوسفند و برنج فراهم آورد (متقی‌زاده، همان، ۱۴۳). وی به‌رغم حاکمان پیشین به شیعیان رخصـت داد که در ادارات مهمی مانند ارتش استخدام شوند (نجفی، بی‌تا، ۴۴)؛

۲. فشار طبقات متوسط و پایین جامعه که بیشترشان از شـیعیان بودنـد بـرای سـامان دهی اصلاحات (برزگر، ۱۳۸۰: ۷۴۷)؛

۳. پیدایی قشر جدیدی از نخبگان سیاسی در بحـرین و تـلاش آنـان بـرای گـذار از جامعه سنتی به جامعه مدرن (همان، ۷۴۹)؛

۴. حمد برای جذب سرمایه‌های جدید خارجی به ثبات سیاسی کشور نیاز داشت که یکی از راهبردهای آن، راضی کردن شیعیان بود (لوئه، ۱۳۸۲، ۶)؛

۵. او می‌خواست با مشارکت شیعیان در امور اقتصادی، عدم مشارکت سیاسی آنان را جبران کند (متقی‌زاده، همان، ۱۴۳).

زمینه‌های مالیات گرفتن آل‌خلیفه از شیعیان

۱. نـخل (خرمـا)

آل‌خلیفـه بـر کـار زراعـت نخـل مسـلط بودنـد (Al-tajir, Ibid: ۳۷) و از شـیعیان سرگرم بدین کار، نامنظم و بـر پایـه میـل حـاکم، مالیـات می‌گرفتنـد (شـهابی، همـان، ۵۲). اصلاحات دهه دوم قرن بیستم، تغییراتی در این زمینه به سود شـیعیان پدیـد آورد

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-09]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.12.4.2]

(Al-tajir, Ibid: ٥٢)؛

٢. ماهی

این مالیات را نیز تنها از شیعیان می‌گرفتند (Ibid: ٣٧). بسیاری از مردم بحرین به ماهی‌گیری می‌پرداختند. صید ماهی سود فراوانی به حکومت نمی‌رساند. از این‌رو، آن را کامل به حوزه سلطه خود نبردند (Ibid: ٥٢). نام دیگر این مالیات، «سَمّاکیه» بود. دولت بحرین جایگاه‌های صید ماهی را مانند بستان‌های نخل، سالانه اجاره می‌داد و مالیات ماهی را به دو روش از شیعیان می‌گرفت:

١-٢. هنگامی که ماهی‌گیران شیعه پس از کار سخت به خانه برمی‌گشتند، مسئولان مالیات سر راه آنان قرار می‌گرفتند و دو پنجم ماهی‌های آنان را می‌گرفتند؛

٢-٢. حکومت، مسئولیت جمع‌آوری مالیات ماهی را در برابر گرفتن دست‌مزد معینی، به تاجری اجاره می‌داد که به او ضامن می‌گفتند. ضامن به کمک ادارات محلی و پلیس، به گردآوری مالیات ماهی می‌پرداخت (حمزه حسن، همان، ٢٧٣)؛

٣. ماه محرم

هیئت‌های عزاداری شیعه در ماه محرَم، می‌بایست به دولت مالیات می‌پرداختند. این مالیات مجوز برگزاری آیین ماه محرم بود (خوری، همان، ٧٧)؛

٤. رَقَبیه

این مالیات را از مردان بالغ شیعه می‌گرفتند و میزان آن به وضع اقتصادی افراد وابسته بود (همان، ٧٨)؛

٥. جهاد

این مالیات را از کسانی می‌گرفتند که در جنگ‌ها شرکت نمی‌کردند. حکومت عامدانه شیعیان به میدان جنگ‌ها نمی‌برد تا از آنان مالیات بگیرد. این مالیات از مالیات «جزیه» نیز گزاف‌تر بود؛ زیرا جزیه را تنها مردان بالغ می‌پرداختند، اما مالیات جهاد را از زنان و کودکان نیز می‌گرفتند. هم‌چنین به‌رغم جزیه که تنها یک بار در سال گرفته می‌شد، این مالیات را چند بار در سال می‌گرفتند که خود دو نوع داشت: «مطبوق» (دو بار در سال) و «مربوع» (چهار بار در سال). گرفتن این مالیات به اندازه‌ای ظالمانه بود که شماری از خانواده‌ها برای پرداخت آن، فرزندان خود را برای فروش به بازار

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.12.4.2]

برده‌فروشان می‌بردند. حتی شماری فراوانی از افراد بر اثر ناتوانایی در پرداخت آن، به زندان می‌افتادند و حتی برخی از مردان ناگزیر لوازم خانوادگی، زمین‌ها و حیواناتشان را برای پرداخت آن می‌فروختند. نام دیگر این مالیات «الروسّیه» بود (حمزه‌حسن، همان، ۲۷۳-۲۷۵)؛

٦. «الدوب»

این مالیات را شیعیانی می‌بایت می‌پرداختند که از آب برای آب‌یاری مزارعشان بهره می‌بردند. نام دیگر این مالیات، «المیاه» بود (خوری، همان، ۷۷- ۷۸)؛

۷. زکات

شیعیانی که در کشتزارها و بستان‌ها کار می‌کردند، به پرداخت مالیات زکات موظف بودند و گرنه، دارایی‌هایشان مصادره می‌شد. حکومت، مأمورانی را به مزارع و نخلستان‌ها می‌فرستاد تا میزان زکات آنان را تعیین کنند. صاحبان مزارع و نخلستان‌ها ناگزیر بودند که پس از گردآوری محصولاتشان، آن مالیات معین را بپردازند. مأموران همواره به بهانه اینکه کشاورزان چند روزی مالیات خود را دیر پرداخته‌اند، هزینه‌ای مضاف از آنان می‌گرفتند و حق داشتند منازل کشاورزان بدهکار را ویران کنند و آنان را به زندان بفرستند (حمزه حسن، همان، ۲۶۷-۲۷۱)؛

۸. الخدمه

کسانی که به غواصی و تجارت مروارید سرگرم بودند، هنگام اختلاف با یک‌دیگر به دادگاه «سلفیه» می‌رفتند و می‌بایست مالیاتی به نام «خدمه» می‌پرداختند (شهابی، همان، ۳۰)؛

۹. حیوانات

کسانی که حیواناتی را برای ذبح کردن به بحرین می‌آوردند، پنج درصد بهای آن حیوانات را در قالب مالیات به حکومت می‌پرداختند (همان). افزون بر شیعیان، سنی‌ها به پرداخت چنین مالیاتی موظف بودند؛

۱۰. طراز

شیعیانی که هنگام غواصی در جایگاه «خدَمه» قایق‌ها کار می‌کردند، چنین مالیاتی را می‌بایست می‌پرداختند (Al-tajir Ibid: ۱۰۵).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-09]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.12.4.2]

آل‌خلیفه در بار کردن مالیات‌های گوناگون بر گردهِ شیعیان، از آل‌سعود پیروی می‌کردند؛ یعنی چنان‌که آل‌سعود از شیعیان احسا و قطیف مالیات می‌ستاندند، آل‌خلیفه از شیعیان بحرین مالیات می‌گرفتند. مانند مالیات رقبیه یا بردگی (حمزه حسن، همان، ۱۹۶). شیعیانی که به کارهایی مانند زراعت نخل، کاشت سبزی و صنایع برای آل‌خلیفه سرگرم بودند، از پرداخت برخی از مالیات‌ها مُعاف بودند؛ زیرا درآمد این افراد به آل‌خلیفه می‌رسید (خوری، همان، ۷۷).

تأثیر اصلاحات دهه دوم قرن بیستم بحرین در وضع اقتصادی شیعیان این کشور

انگلیسی‌ها برای رسیدن به هدف‌هایشان در بحرین، دهه دوم قرن بیست میلادی، به اصلاحاتی در این کشور دست زدند که بر اثر آنها، حکومت آل‌خلیفه از نظامی قبیله‌ای به نظامی متمرکز و جدید بدل گشت (همان، ۱۷۱). شیعیان چنین اصلاحاتی را عامل رفع تبعیض‌ها درباره خودشان می‌دانستند و از این‌رو، از آنها پشتیبانی می‌کردند، اما خاندان حکومتی و هم‌پیمانانشان، این اصلاحات را برنمی‌تابیدند؛ زیرا قدرت مطلقه آنان بر شیعیان، بر اثر این اصلاحات از دست می‌رفت و آنان همچون گذشته نمی‌توانستند اموال شیعیان را غارت کنند (شهابی، همان، ۳۱). آن اصلاحات در بهبود وضع اقتصادی شیعیان تأثیر گذارد و تبعیض میان شیعیان و سنی‌ها در پرداخت مالیات، تا اندازه‌ای کاهش یافت (همان، ۷۴). هم‌چنین به لغو بیگاری شیعیان انجامید (خوری، همان، ۱۶۵).

شیعیان مناطق روستایی در سنجش با شیعیان شهری، کم‌تر از اصلاحات بهره‌مند شدند؛ زیرا مدیریت در مناطق روستایی پس از اصلاحات نیز به شیوه سنتی صورت می‌پذیرفت و رؤسای روستاها، گماردگان حاکم بودند (Anthony,۱۹۷۵: ٤٧).

علل بی‌اعتنایی آل‌خلیفه به وضع اقتصادی شیعیان

آل‌خلیفه و دیگر حکومت‌های سنی‌مذهب، به علل زیر شیعیان را در تنگ‌دستی نگاه می‌داشتند:

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-09]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.12.4.2]

۱. آنان تشیع را فتنه‌ای طراحی شده برای از میان برداشتن اسلام می‌دانستند (نـادری، ۱۳۸۶: ۱۳۱)؛

۲. از نظر نویسندگان قومیت‌گرای عرب، تشیع جنبشی غیرعربی بـود کـه مسـلمانان غیرعرب آن را ساخته و پرداخته بودند تا فرهنگ عرب و ویژگی‌های عربی اسلام را به حاشیه برانند (همان)؛

۳. شیعیان از دید اهل سنت، به کشورشان وفادار نبودند؛ یعنی آنان به دلیل باورهـا و پای‌بندی محتمَلشان به بیگانه، بی‌وفا به کشور به شمار می‌رفتند (همان، ۱۳۲).

منابع درآمد شیعیان

الـف) کشـاورزی

دست‌درازی آل‌خلیفه به اموال و املاک شیعیان و دیگـر کارهـا و سیاسـت‌های ایـن خاندان موجب شد که شیعیان به کارهایی مانند کشاورزی بـرای آل‌خلیفـه، غواصـی و کارگری در شرکت نفت بپردازند. بحرین پیش از ورود آل‌خلیفه، جامعه‌ای بـا سـاختار اقتصادی کشاورزی، به شمار می‌رفت (رمیحی، همان، ۶۴)؛ چنـان‌کـه در آن زمـان ۳۱۳ روستا داشت و امروز، تنها پنجاه روستا دارد (فولر و فرانکه، همان، ۲۴۸). این کشور در گذشته در سنجش با وضع امروزش، حاصل‌خیزتـر شـده اسـت و سـیاحان قـدیم نـام باغ‌های بـومی بسـیاری را در آثارشـان آورده‌انـد (James Belgerave,۱۹۵٤: ۵۹). بیشـتر منابع، دست بالا ده درصد کل مساحت بحرین را کشت‌پـذیر دانسـته‌اند. بیشـتر منطقـه کشاورزی بحرین در بخش شمالی این کشور است؛ زیـرا ایـن منطقـه چشـمه‌های آب شیرین دارد (رمیحی، همان، ۶۴). شیعیان پـس از از دسـت دادن زمین‌هایشـان، نـاگزیر شدند که همان زمین‌ها را بر پایـه قراردادهـایی اجـاره کننـد و در آنهـا بـه کشـاورزی بپردازند (حمزه‌حسن، همان، ۲۵۷). مالکان در قراردادها، شروط سـختی را بـر شـیعیان تحمیل می‌کردند. مانند اینکه یک سوم محصولشان، در قالب «بهـرهٔ مالکانـه» بـه مالـک زمین برسد (بلگریو، ۱۳۶۹: ۱۶۶). مالکان، کشاورزان را وامی‌داشتند که میـزان خاصـی محصول تولید کنند و اگر محصول از این میزان کم‌تر می‌شد، کشاورزان می‌بایست «مـا به التفاوت» آن را از بازار می‌خریدند و آن را به مالک می‌دادنـد (رمیحـی، همـان، ۶۶).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-09]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.12.4.2]

اگر محصول تولید شده از میزان تخمینی فراتر می‌رفت، مالک قرارداد پیشین را لغو و بر پایه قرارداد جدیدی با کشاورز رفتار می‌کرد؛ یعنی کشاورز می‌بایست میزان بیشتری از محصول به مالک می‌داد (خوری، همان، ۹۹).

کشاورزان شیعه در وضعی ظالمانه به سر می‌بردند؛ زیرا تنها تا یک سال قرارداد می‌بستند و پس از این می‌بایست قرارداد دیگری می‌بستند (Harrison, Ibid: ۵۲). آنان امنیت شغلی نداشتند؛ زیرا همواره به برکنار شدن از کار تهدید می‌شدند. آنان هم‌چنین بیشتر به پذیرش شروطی ناگزیر می‌شدند که پیشتر درباره آنها توافقی صورت نپذیرفته بود (حمزه‌حسن، همان، ۲۵۸). کشاورزان مشکلات دیگری نیز داشتند. مانند اینکه حیوانات آل‌خلیفه بیشتر محصولاتشان را نابود می‌کردند یا بدویان آنها را به غارت می‌بردند و نوکران هر مالک و شیخی به آنان ستم می‌کردند (شهابی، همان، ۱۷).

بیشتر کشاورزان بحرین شیعه بوده‌اند؛ زیرا سنی‌ها به کشاورزی علاقه نداشته‌اند. لاخ در این‌باره می‌گوید: «شیعیان عرب کشاورز هستند و تا به حال شنیده نشده که یک عرب سنی‌مذهب در یک باغ یا نخلستان مشغول به فعالیت باشد» (بلگریو، همان، ۱۶۶).

ب) غواصی برای صید مروارید

بحرین همواره به جایگاه صید مروارید معروف بوده (خوری، همان، ۷۵) و صنعت مروارید، منبع درآمد شمار بسیاری از مردم این کشور به شمار می‌رفته (Adamiyat, ۱۹٥٤: ۳) و افزون بر این، مروارید بحرین بهترین نوع مروارید در جهان بوده است. (رمیحی، همان، ۵۸). اقتصاد بحرین به اندازه‌ای به مروارید وابسته بود که اگر پس از رکود این صنعت، نفت پیدا نمی‌شد، اقتصاد این کشور نابود می‌شد (خلف‌العبیدی، همان، ۶۵). بیشتر کارگران صنعت مروارید از شیعیان بودند که به غواصی می‌پرداختند و از ناخداها آنان را در فصل غواصی به خدمت می‌گرفتند. بیشتر یا همه ناخداها و تاجران صید مروارید، سنی‌مذهب و از هم‌پیمانان آل‌خلیفه بودند (هالیدی: ۱۳۵۸، ۶۱۸). افزون بر شیعیان، برده‌های فراوانی که آنان را از آفریقا آوردند، در غواصی به کار گرفته می‌شدند (نکاست، همان، ۸۲). غواصی کار سختی بود و غواصان به آسیب‌ها و مشکلات گوناگونی دچار می‌شدند (شهابی، همان، ۱۰). لاخ در

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-09]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.12.4.2]

این‌باره می‌نویسد:

> کار غواصی هیچ‌گونه مزیتی نداشت. اگرغواص کار دیگری پیدا می‌کرد، غواصی را رها می‌کرد. دیگر اینکه غواصان ۴/۵ ماه کار می‌کردند و بقیه سال بی‌کار بودند (رمیحی، همان، ۵۵).

غواصان در فصل‌های بی‌کاری برای برآوردن نیازهای زندگی خود ناگزیر بودند در خانه‌های دیگران و باغ‌های خرما کار کنند (بلگریو، همان، ۲۶۲–۲۶۳). زندگی غواصان از طریق وام‌های ناخداها یا تاجران مروارید به آنان تأمین می‌شد. نام این وام‌ها چنین بود: «سلفیه»، «خرجیه» و «تسقام». سلفیه پیش از آغاز شدن فصل غواصی، خرجیه هنگام رسیدن فصل غواصی و تسقام پایان فصل غواصی به غواصان داده می‌شد. ناخداها، این وام‌ها را با سود گزافی از آنان پس می‌گرفتند (Al-tajir Ibid: ۱۰٤). کم‌تر پیش می‌آمد که درآمد غواص از میزان وامش بیشتر باشد. از این‌رو، غواصان همواره به ناخداها بدهکار بودند (خوری، همان، ۱۰۰) و در وضع بدی می‌زیستند (رمیحی، همان، ۶۰). اگر غواص بدهکاری می‌مرد، بدهکاری‌اش به خانواده‌اش منتقل می‌شد و ناخدا حق داشت برای گرفتن طلبش، با زن او ازدواج کند یا اموالش را ببرَد یا پسرش را به بیگاری بگیرد (خلف‌العبیدی، همان، ۸۳). ناخداها مختار بودند که غواصان را تنبیه کنند، شلّاق بزنند یا حتی آنان را برهنه در برابر گرمای آفتاب بگذارند و مانع خوردن و آشامیدنشان شوند (Al-tajir, Ibid: ۱۰۸) یا حتی آنان را محبوس کنند (شهابی، همان، ۸۴). هم‌چنین ناخداها به گزارش کردن مرگ غواصان هنگام اجرای کار غواصی، موظف نبودند (Al-tajir, Ibid: ۱۰۸). ناخداها، غواصان شیعه را روز دهم محرم هم از کار مُعاف نمی‌کردند (عبدالقادرجاسم و الشاعر، همان، ۸۱).

اصلاحات دهه دوم قرن بیستم، پی‌آمدهای بسیار خوبی برای غواصان داشت و مانع تنبیه (Al-tajir, Ibid: ۱۲٦)، بیگاری (حسین موسی، ۱۹۸۷، ۲۵)، و گرو گرفتن آنان (احمدفخری، بی‌تا، ۴۴) یا به ارث رسیدن بدهکاری غواصان به خانواده‌هایشان شد (خوری، همان، ۱۶۶).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-09]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.12.4.2]

ج) کارگری

شیعیان کمابیش نوَد درصد نیروی کار بحرین به شمار می‌رفتند؛ زیرا اهل‌سنت این کشور همچون بیشتر اعضای دیگر جوامع قبیله‌ای کشورهای خلیج‌فارس، کارهای جسمی را پَست می‌شمردند و بازگاری یا کارهای دولتی را دوست‌تر می‌داشتند (گراهام فولر و فرانکه، همان، ۲۵۰). چارلز بلگریو در این‌باره می‌گوید: «بیشتر کارگران بحرین؛ چه در شرکت نفت و چه در جاهای دیگر، شیعه می‌باشند (Charles Belgrave, ۱۹٦٦: ٦٥)». بیشتر شیعیان پس از ایجاد شرکت نفت، برای کار به این شرکت روی آوردند؛ زیرا کار در شرکت نفت به‌رغم کارهای کشاورزی و غواصی، به درآمد منظمی می‌انجامید. هم‌چنین در سنجش با کارگری در شرکت نفت، درآمد کم‌تری به بار می‌آورد و می‌توان گفت بیگاری به شمار می‌رفت (رمیحی، همان، ۹۱). افزون بر این، شرکت نفت بحرین از ایجاد چاه‌های آب برای کشاورزی جلوگیری می‌کرد (زیانی، همان، ۲۴).

بر پایه سیاست شرکت نفت بحرین درباره حقوق، مزایا و استخدام، اولویت گزینش از آنِ کارگران بیگانه بود و بحرینی‌ها به‌ویژه شیعیان را در کارهای پست و بی‌نیاز از مهارت و تخصص، به کار می‌گرفتند؛ زیرا مدیران شرکت معتقد بودند که حضور شمار بسیاری از کارگران محلی در شرکت، زمینه را برای اعتصاب و اعتراض کارگران فراهم می‌آورَد (حسین موسی، همان، ۲۸) و آل‌خلیفه بر این بود که حضور کارگران خارجی در شرکت از ایجاد سازمان‌های سیاسی و اتحادیه‌های کارگری در کشور جلوگیری خواهد کرد (نکاست، همان، ۸۳). شمار کارگران بیگانه در بحرین هر روز فزون‌تر می‌شد؛ چنان‌که از بیست درصد (۱۹۳۵ م)، به ۴۱ درصد (۱۹۶۵ م) تا شصت (۱۹۹۵ م) و ۶۵ درصد (۲۰۰۲ م) رسید (همان). به هر روی، شیعیان حتی با کار کردن در شرکت نفت، به وضع اقتصادی خوبی نرسیدند، بلکه به دلایل زیر از کار در این شرکت خرسند نبودند:

۱. حضور کارگران بیگانه (اسعدی، ۱۳۸۱: ۱۲۲) در بحرین و اینکه شرکت در سنجش با کارگران بومی، آنان را مُمتازتر می‌داشت (شهابی، همان، ۱۲۲)؛

۲. پایین بودن سطح دست‌مزدها (حسین موسی، همان، ۴۵)؛

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-09]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.12.4.2]

۳. اوضاع کاری سخت؛
۴. نداشتن قرارداد رسمی استخدام؛
۵. محروم بودن از حق مرخصی؛
۶. افزایش نیافتن دست‌مزدها از ۱۹۳۲ تا ۱۹۳۸میلادی؛
۷. فشار آوردن کارفرمایان محلی بر کارگران

شرکت نفت، کارگرانی بومی را به پیمان‌کاران محلی می‌سپرد و آنان بیش از شرکت نفت، بر کارگران فشار می‌آوردند (حسین موسی، ۱۹۸۷: ۲۹)؛

۸. ترجیح کارگران بیگانه بر کارگران بومی

هنگامی اختلافی میان کارگران بیگانه و کارگران بحرینی پدید می‌آمد، بحرینی‌ها را بیرون می‌کردند (شهابی، همان، ۱۲۲).

بر اثر سیاست‌های آل‌خلیفه، پیدایی نفت در بحرین، در سنجش با عربستان و کویت، به افزایش رفاه اقتصادی مردم و حل شدن مشکلات آنان بسیار تأثیر نگذارد (رمیحی، همان، ۲۱۳). شرکت‌های نفتی آن کشورها در سنجش با بحرین، دست‌مزد بیشتری به کارگران می‌پرداختند و همین عامل موجب هجرت شمار فراوانی از شیعیان و سنی‌ها برای کارگری به آن کشورها شد (خوری، همان، ۲۱۱).

یک‌سان نبودن وضع اقتصادی شیعیان

شیعیان بحرین وضع اقتصادی خوبی نداشته‌اند، اما همه آنان در این زمینه با یک‌دیگر یک‌سان نبودند، بلکه عواملی مانند تابعیت، محل زندگی، سطح سواد، قومیت و نفوذ در مراکز اداری و اقتصادی، به تفاوت‌ها آنان با یک‌دیگر می‌انجامید (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۷: ۲۲۲). برای نمونه، شیعیانی که نتوانسته بودند تابعیت بحرینی داشته باشند و به «بیدون‌ها» معروف بودند، در سنجش با دیگر شیعیان، مشکلات بیشتری داشتند. حکومت «بیدون‌ها» را نیز از یک‌دیگر متمایز می‌کرد؛ یعنی عربان آنان را برتر از غیر عربانشان می‌دانست (Cordesman, Ibid: ۷۶)؛ چنان‌که سنی‌های عرب را از سنی‌های غیرعرب، برتر می‌داشت. هم‌چنین شیعیانروستاها در سنجش با شیعیان شهری، مشکلات اقتصادی بیشتری داشتند (Ibid: ۷۹). شیعیان این کشور را از دید

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.12.4.2]

اقتصادی به چند گروه زیر می‌توان تقسیم کرد:

شیعیان عرب شهری؛

شیعیان ایرانی شهری؛

شیعیان ساکن روستاها؛

شیعیان ساکن حاشیه شهرها (خوری: ۱۹۸۳: ۲۲۲).

نتیجه

مهم‌ترین عوامل مؤثر در قدرت‌یابی آل‌خلیفه در بحرین چنینند:

رخصت دولت عثمانی به آنان برای استقرار در کویت پس از کوچ از نجد؛

افزایش قدرت آنان بر اثر ازدواج‌های سیاسی رؤسای قبیله‌های بنی‌عتوب در کویت؛

اندوختن ثروت هنگفتِ برآمده از تجارت پس از هجرتشان به زباره؛

غفلت آل‌مذکور از آسیب‌ها و هدف‌های آل‌خلیفه و رخصت دادن به آنان درباره استقرارشان در زباره؛

اوضاع بی‌سامان ایران پس از مرگ کریم‌خان؛

درگیری‌های آقامحمدخان قاجار با لطفعلی‌خان زند؛

پشتیبانی گسترده انگلستان از آنان؛

کمک قبیله‌های ساکن قطر و تیره‌های بنی‌عتوب به آنان هنگام فتح بحرین؛

اختلاف شیعیان با یک‌دیگر در آستانه حمله آل‌خلیفه به بحرین؛

سیاست‌های آل‌خلیفه در برابر دشمنان متحد نشدن مخالفان آنان.

آمدن آل‌خلیفه به بحرین و چیرگی آنان بر شیعیان موجب شد که شیعیان در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی در پایین‌ترین سطح جای گیرند و نه تنها در اقتصاد و سیاست این کشور مؤثر نباشند که در فقر و تنگ‌دستی و وضعی بی‌سامان از دید اجتماعی به سر ببرند. آل‌خلیفه املاک و اموالشان شیعیان را گرفتند و آنان ناگزیر به کشاورزی (برای آل‌خلیفه)، غواصی (برای تاجران و ناخداهای صید مروارید) و کارگری (در شرکت نفت و دیگر جای‌ها) پرداختند. این کارها درآمد بسیار ناچیزی داشت و از این‌رو، بیشتر آنان از طبقات فقیر جامعه به شمار می‌رفتند. شیعیان در

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-09]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.12.4.2]

سراسر دوره حکومت آل‌خلیفه، وضع اقتصادی درخوری نداشته‌اند، اما دو نکته در این‌بار مهم می‌نماید:

۱. شاخص‌هایی مانند محل سکونت، سطح سواد، میزان نفوذ در مراکز اداری و اقتصادی، تابعیت و قومیت موجب شده است که شیعیان با یک‌دیگر یک‌سان نباشند؛

۲. وضع اقتصادی شیعیان در دوران حکومت آل‌خلیفه دگرگون شده است. بنابراین، دوران حکومت آل‌خلیفه را از این دید به سه دوره می‌توان تقسیم‌بندی کرد:

از ورود آل‌خلیفه به بحرین (۱۷۸۳ م) تا دهه دوم قرن بیست میلادی؛ از دهه دوم قرن بیستم میلادی تا ۱۹۹۹؛ از ۱۹۹۹م به بعد. دوره نخستن بدترین دوره برای شیعیان بود؛ زیرا آنان در این دوره افزون بر از دست دادن دارایی‌هایشان، ناگزیر به بیگاری، تهیه علوفه، سبزی و دیگر نیازهای مالکان و خاندان آل‌خلیفه پرداختند. دوره دوم برای شیعیان از دوره اول بهتر بود؛ زیرا آنان در این دوره و دوره سوم، به اجرای کارهای یاد شده ناچار نبودند. دوره سوم از دو دوره قبلی برای ایشان بهتر بوده است؛ زیرا حمد بن‌عیسی بن‌سلمان در این دوره به اصلاحاتی در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی به سود شیعیان پرداخت (۱۹۹۹ م) که هیچ یک از آنها در دوره‌های پیشین صورت نپذیرفته بود.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-09]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.12.4.2]

کتاب‌نامه

۱. ابویوسف، یعقوب بن‌ابراهیم (۱۳۵۲)، *الخراج*، قاهره، سلفیه.
۲. احمد فخری، منیره (بی‌تا)، *مشروع المجتمع المدنی التحول الدمقراطی فی الوطن العربی*، قاهره، اصدارات مرکز ابن خلدون.
۳. احمد یاغی، اسماعیل (۲۰۰۳)، *تاریخ العالم العربی المعاصر*، چاپ دوم، ریاض.
۴. اسعدی، مرتضی (۱۳۸۱)، *جهان اسلام*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۵. ــــــــ؛ شهیدی، عبدالحسین (۱۳۸۰)، *دایرة المعارف بزرگ تشیع*، چاپ دوم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۶. اسلامی، رضا (۱۳۷۸)، خاستگاه تشیع در بحرین، *هفت آسمان*، سال اول، شماره دوم، قم.
۷. اقبال، عباس (۱۳۲۸)، *مطالعاتی در باب بحرین و خلیج فارس*، تهران، چاپخانه مجلس.
۸. الهی، همایون (۱۳۸۷)، *خلیج فارس و مسائل آن*، چاپ دوم، تهران، نشر قومس.
۹. برزگر، کیهان (۱۳۸۰)، *عوامل تأثیرگذار بر سیاست‌های جدید بحرین*، *سیاست خارجی*، سال ۱۵، شماره ۳.
۱۰. برگ نیسی، کاظم (۱۳۶۷)، *دایره المعارف بزرگ اسلامی*، تهران.
۱۱. بلادی البحرانی، علی (۱۴۰۷ ق)، *انوار البدرین*، قم، مکتبه المرعشی النجفی.
۱۲. بلگریو، چارلز (۱۳۶۹)، *سفرنامه دریایی لاخ*، ترجمه حسین ذوالقدر، تهران، انتشارات آناهیتا.
۱۳. بهجت سنان، محمود (۱۹۶۳)، *البحرین دره الخلیج*، بی‌جا، بی‌نا.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.12.4.2]

۱۴. پاکتچی، احمد (۱۳۸۱)، *دایرة المعارف بزرگ اسلامی*، تهران.
۱۵. پرتوی مقدم، عباس (۱۳۸۵)، بحرین چرا و چگونه از ایران جدا شد؟، *مطالعات تاریخی*، سال چهارم، شماره ۱۵.
۱۶. توال، فرانسوا (۱۳۸۳)، *ژئوپولتیك شیعه*، ترجمه کتایون باصر، تهران، انتشارات ویستار.
۱۷. جعفریان، رسول (۱۳۸۷)، تعامل مذهبی ساکنان سواحل جنوبی و شمالی خلیج فارس، *مجموعه مقالات*، تهران، انتشارات توسعه علوم انسانی.
۱۸. حسن، حمزه (۲۰۱۰ م)، *الشیعه فی المملکه السعودیه*، بیروت، دار الساقی.
۱۹. حسن، یوسف (۱۹۷۸ م)، *موقفنا تجاه الحرکات الدینیه فی البحرین*، *النهج*، قبرس، سال چهارم، شماره ۱۵.
۲۰. خلف العبیدی، ابراهیم (۲۰۰۴ م)، *الحرکه الوطنینه فی البحرین*، چاپ دوم، لندن، دار لیلی.
۲۱. خوری، فواد اسحق (۱۹۸۳ م)، *القبیله و الدوله فی البحرین*، بیروت، بی‌نا.
۲۲. رمیحی، محمد (۱۹۸۴ م)، *البحرین، مشکلات السیاسی و الاجتماعی*، چاپ دوم، کویت، بی‌نا.
۲۳. روشندل، جلیل؛ سیف‌زاده، حسین (۱۳۸۲)، *تعارضات ساختاری داخلی، منطقه‌ای و بین المللی در خلیج فارس*، تهران، انتشارات کیهان.
۲۴. زکریا قاسم، جمال (۱۹۷۴ م)، *دراسه التاریخ الامارات العربیه*، چاپ دوم، کویت، بی‌نا.
۲۵. زیانی، امل ابراهیم (۱۹۷۳ م)، *البحرین*، بیروت، بی‌نا.
۲۶. سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح (۱۳۸۷)، *ژئوپولیتیک منطقه خلیج‌فارس*، تهران، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۲۷. سیف افجه‌ای، معصومه (۱۳۸۱)، *بحرین*، چاپ دوم، تهران، انتشارات وزارت

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.12.4.2]

امور خارجه.
۲۸. شهابی، سعید (۱۹۹۶ م)، *البحرین ۱۹۲۰-۱۹۷۱*، بیروت، دارالکنوز.
۲۹. الصباح، سالم الجبیر (۱۳۶۸)، *امارات خلیج فارس و مسئله نفت*، ترجمه علی بیگدلی، تهران، موسسه مطالعات و انتشارات تاریخی.
۳۰. العانی، عبدالرحمان عبدالکریم (۱۴۲۱ ق / ۲۰۰۰ م)، *البحرین فی صدر الاسلام*، بیروت، بی‌نا
۳۱. عبدالقادر جاسم، محمد؛ علی الشاعر، سوسن (۲۰۰۰ م)، *البحرین قصه صراع سیاسی*، بی‌جا، بی‌نا.
۳۲. علیان، عدنان (۲۰۰۵ م)، *جذور التشیع في الخلیج و الجزیره العربیه*، بیروت، مؤسسه المعارف للمطبوعات.
۳۳. عوض العتبی، غالب (۲۰۰۴ م)، *دول الخلیج و الجزیره*، بیروت، بی‌نا.
۳۴. فولر، گراهام؛ رحیم فرانکه، رند (۱۳۸۴)، *شیعیان عرب*، ترجمه خدیجه تبریزی، قم، انتشارات شیعه‌شناسی.
۳۵. لوئه، لورنس (۱۳۸۲/۱۱/۱۶)، آل خلیفه در لبه تیغ، ترجمه علی عبدالمحمدی، *روزنامه شرق*.
۳۶. ماوردی، ابوالحسن علی بن‌محمد (۱۳۲۷)، *احکام السلطانیه*، مصر، مطبعة السعاده.
۳۷. متقی‌زاده، زینب (۱۳۸۴)، *جغرافیای سیاسی شیعیان خلیج فارس*، قم، مؤسسه شیعه‌شناسی.
۳۸. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۵)، جنبش‌های سیاسی بحرین و ابعاد منطقه‌ای آن، *سیاست خارجی*، سال دهم، شماره ۲.
۳۹. محروس، کریم (۱۴۱۸ ق / ۱۹۹۷ م)، *البحرین الاصاله و مظاهر التغییر السیاسی*، لندن، بی‌نا.
۴۰. المدیرس، فلاح (۲۰۰۰ م)، *الحرکات و الجماعات السیاسیه فی البحرین*، بیروت، بی‌نا.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.12.4.2]

۴۱. موسی، حسین (۱۹۸۴ م)، *مسیره القمع فی البحرین*، بی‌جا، بی‌نا.
۴۲. ـــــــــ (۱۹۸۷ م)، *البحرین النضال الوطنی و الدیمقراطی*، بی‌جا، بی‌نا.
۴۳. مونس، حسین (۱۳۷۵)، *اطلس تاریخ اسلام*، ترجمه آذرنوش، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۴۴. نادری، احمد (۱۳۸۶)، *گفتمان جنبش شیعی عراق*، تهران، نشر نزدیک.
۴۵. نافع الحمدانی، طارق (۲۰۱۰ م)، *البحرین فی کتابات الرّحاله الأوروبیّون*، بغداد، بیت الوراق.
۴۶. النبهانی (۱۹۸۶)، *التحفه النبهانیه*، بیروت، دار احیاء العلوم.
۴۷. نجفی، مهدی، بی‌تا، وضعیت شیعیان در بحرین، *ترجمان سیاسی*، شماره ۱۹۱.
۴۸. نکاست، اسحاق (۱۳۸۷)، *شیعیان در جهان عرب مدرن*، ترجمه رضا سیمبر، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
۴۹. وهبه، حافظ (۱۹۶۵ م)، *جزیره العرب فی القرن العشرین*، چاپ دوم، قاهره، بی‌نا.
۵۰. هالیدی، فرد (۱۳۵۸)، *عربستان بی‌سلاطین*، ترجمه بهرام افراسیابی، تهران، کتاب‌سرا.
۵۱. Adamiyat, Fereydoun, (1954), *Bahrain Island ...*, Newyork.
۵۲. al-tajir, Mahdi Abdalla, (undated), *Bahrain (1920-1945)*, London.
۵۳. Anthony,JohnDuke, (1975), *Arab states of The Lower Gulf*, volume 3, washington.
۵۴. Belgrave, Charles,(1960),*Personal Column*, London.
۵۵. Belgrave, Charles, (1966), *The pirate coast*, London.
۵۶. Belgrave, James, (۱۹۵٤), *Welcome to Bahrain*, Manama.
۵۷. Cordesman, (1997), *Bahrain Oman, Qatar, and UAE*, American.
۵۸. Harald Hansen, Henny, (1968), *investingations in a shia village in Bahrain*,Denmark.
۵۹. Harrison, (1924), *Economical And Social Condition In East ArabiaThe Moslem World*, Vol XIV.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.12.4.2]

۶۰. Lorimer,(1908), *Gazetter of The Persian Gulf, Oman and central Arabia*, Calcutta.
۶۱. Rush, A.del, (۱۹۹۱), *Ruling families of Arabia, intro duction* , England.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.12.4.2]